

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: وفا جاسمی
فرستنده: علی کاظمی
۰۳ اگست ۲۰۱۸

وحدت و تشکیلات

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است. بدون وحدت و بدون تشکیلات نمی توان رژیم جمهوری اسلامی را به زیر کشید و ایرانی برای اکثریت مردم سازمان داد. در طول تاریخ هزاران ساله ، مردمان ما با ده ها زبان ، تفاوت های زیاد و شباهت های کم ، در طبیعتی بس متضاد توانسته اند در همگرایی و هارمونی زیست کنند و به پیشرفت بشریت برای جهانی بهتر خدمت نمایند. در این روند تاریخ بس طولانی ، مبارزه طبقاتی سیر حرکت جامعه را به دست توده ها شکل داده ولی هیچ گاه برای توده رهائی از یوغ ستمگران به بار نیاورده است. در طول تاریخ آنها بردگان و پیاده نظام های جنگ های برده داران و زمین داران بوده اند ، حاکمان از سیاست نفاق افکن حکومت کن استفاده کرده و تا به امروز بار سنگین نژاد پرستی ، جنگ مذاهب و ادیان ، تبعیض میان زن و مرد وده ها نفاق افکنی دیگر برای ادامه سلطه مرتجعان حاکم ادامه یافته است. درست بر اثر وجود نظام های برده داری، زمین داری و ارباب رعیتی و در دوران معاصر سرمایه داری دیکتاتوری و استبداد حکومت ها، توده ها نتوانسته اند آنطور که شایسته آنها بوده است نقش خود را در بهترین وجهی و با خلاقیت در تکامل زیست انسان ایفاء کنند.

البته در طول این دوران طولانی هر زمان و هر جا حاکمانی تا اندازه ای رو به مردم داشتند و در چارچوب محدودیت های نظام خود عدالت خواهی و قانون مداری را رعایت کردند ، توده ها توانستند با خلاقیت بیش تری در بهبود زندگی جامعه شرکت نمایند و می بینیم آن زمان و آنجا آبادانی و شکوفائی به وجود آمده است.

اکنون جامعه ایران یکی از سیاه ترین دورانهای تاریخی را از سر می گذرانند.چهل سال است استبداد اسلامی در سطح داخلی فقر و بدبختی به بار آورده و در سطح خارجی دشمنان زیادی را خلق کرده است. این وضع در کشوری صورت گرفته که یکی از اولین کشورهایی بوده که در خاور دست به انقلاب مشروطیت زده، جنبش کارگری در همان اوایل قرن با انقلاب کبیر اکتوبر پیوند داشته است. پیروزی و سلطه جنبش خمینی که افکارش متعلق به دوران بربریت حجاز است یک چرخش عقب گرای بزرگی در جامعه ما محسوب می شود. باید تاریخ را بار دیگر مرور کرد و دید چرا چنین چرخشی در جامعه ما به وقوع پیوست.

توپ های مانیفست حزب کمونیست توسط مارکس و انگلس جهان کهن را نشان رفت و بزرگترین گام تاریخی در سیر تکامل اندیشه های جامعه بشری بر داشته شد. در ایران ما هم کمی دیر تر مارکسیسم دیوار پوسیده نظام های اریجایی

قرون را فروریخت و افق نوینی در راه آزادی و رهایی از ظلم و ستم نشان داد. اما از زمانی که طبقه کارگر در جامعه ما صاحب نظر و تشکیلات شده است و روشنفکران بدرستی به اردوی آن با دانش مدرن علمی و مارکسیسم پیوستند، متأسفانه کمونیستها نتوانستند طبقه کارگر را در مرکز فعالیت های خود قرار دهند و اصل اساسی کارکمونیستی را در سازماندهی " از توده به توده " همه جانبه به کاربندند. ما چپ ایران که پراکنده و دچار ناخوشی مضمّن جدا از توده ها هستیم و رهبری های موجود چپ اغلب دچار خود مرکز بینی، پراکنده کاری هستند باید با برخوردی نقادانه با حرکت از دوران تاریخی و در حال تغییر شدید، برای یافتن راهکارهای مشخص در متشکل کردن اکثریت عظیم مردم تلاش کنیم.

تجربه طولانی کار سازمانی به من در عمل ثابت کرده است که این آموزش کمونیستی راهنمای درستی در امر سازماندهی است. **چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است**. بی خود نیست که در این سال های اخیر کلیه فعالان کارگری روی این شعار تأکید کرده اند. از درون زندان و بیرون زندان آنها رو به کل جنبش چپ ایران تأکید دارند زیاده خواه نباشید، روی اصول و برنامه ای ساده که می توانید توافق کنید برای راهنمای عمل مشترک توافق کنید یکی شوید و در جریان مبارزه و پیوند با جنبش کارگری و توده ای قدم به قدم به تکامل برنامه و اصول مورد توافق بپردازید. گفته تاریخی مارکسرا به خاطر سپارید که یک قدم عملی از یک دوجین برنامه روی کاغذ مانده با ارزش تر است [این جمله از لاسال است که لنین آن را به کار برده است- پورتال-].

از شعار دادن تا در عمل رهنمودی را عملی کردن تفاوت از زمین تا آسمان است. ما در ایران دیمه [جدی] نود و شش را پشت سر داریم اما کجا بود تشکیلات مسلح به تئوری رهایی پرولتاریا برای جهانی بدون استثمار و ستم، جهانی بدون نژاد پرستی و تمایز جنسیتی، جهانی بدون اعدام و قصاص استبداد و شکنجه. بر ماست به این پرسش چکار باید کرد به درستی پاسخ دهیم و روشن کنیم کدامین قدم ها را باید برداشت که شکاف این دو وضع را کمتر کرد و امر وحدت و تشکیلات به پیش رود. جهانبینی و تئوری راستین پرولتری در زمینه وحدت و تشکیلات بسیار غنی است. کو پیشتانازی که به فرا گرفتن آنها بپردازند. جنازه حکومت های ارتجاعی جهان حد اقل در خاور میانه بار ها بر اثر خیزش توده ها به خیابان ها کشیده شده است دروغا که کمونیست های با تشکیلات در پیشاپیش صفوف توده ها حرکت نکردند تا به گور سپردن آنها را سازمان دهند در نتیجه ستمگران به اشکالی دیگر همچنان توانستند قدرت سیاسی را در تصاحب خود نگه دارند.

دیگر تاریخ ما را نخواهد بخشید و اجازه نداریم خود را چپ و کمونیست بنامیم و هیچ قدمی در جهت وحدت و سازماندهی بر نداریم اولین گام در جهت رفع این نقیصه اینست که از تجارب گذشته درس بگیریم و بار دیگر به بعضی از عملکرد های پیروزمند پرولتاریای جهان با دید آموزشی بنگریم. در ایران هم می توانیم به تجارب مثبت در این زمینه بر خورد کنیم. بر اساس تجارب گذشته بود درست با حرکت از این جمع بندی ست که شاهرخ زمانی ایجاد سه تشکیلات اساسی را در پیوند با یکدیگر و با هدفی مشترک برای براندازی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم ضروری می داند.

حزب انقلابی پیشرو پرولتاریائی که علم رهایی پرولتری یعنی کمونیسم علمی را راهنمای خود قرار می دهد، مبارزه برای ایجاد تشکل سراسری کارگران و زحمتکشان و اتحاد بزرگ توده ای و ملی از کلیه نیروهائی که در این مرحله از مبارزه طبقه کارگر می توانند رهبری طبقه کارگر را بپذیرند و در براندازی رژیم سرمایه داری حاکم شرکت نمایند. شواهد حکایت از این دارد که آموزش های شاهرخ زمانی و کارگران زندانی همراه او به مکتب اوین دهه نود تبدیل شده و هرروز در دل و اندیشه های پیشروان و فعالان کارگری جای می گیرد.

برای ایجاد چنین تشکیلاتی - حزب ، شوراهای کارگری سراسری و اتحاد بزرگ توده ئی احتیاج به کادر هائی است که از نوع شاهرخ زمانی ها باشند - نمونه ای در پیوند با طبقه کارگر چون دندان و لب، در کوشش برای ایجاد حزب سیاسی طبقه کارگر، در تلاش دائمی برای ایجاد تشکیلات کارگری، باز هم برجسته تر گرد آوردن همه نیروهای مردمی در زیر چتری بزرگتر واتحادی باز هم گسترده تر. در کلیه این فعالیت ها کمونیسم و جهانی پرتی را راهنمای گفتار و عمل خود قرار داده و تماماً و کاملاً خود را وقف رهائی کارگران و تمام مردم ایران کرده است . برگزیده آثار او نمونه ایست برای هر چپ انقلابی که با عزمی راسخ در پی متشکل شدن است.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است در این برهه از زمان با توجه به وضع مشخص سازماندهی چنین است :
یکم - کمونیست ها باید یکی شوند و حزب کمونیست متحدی را در پیوند با طبقه کارگر براساس اصول و برنامه به وجود آورند

دوم - کارگران و زحمتکشان باید در نبردهای طبقاتی که هر روز گسترده می شود اتحاد کنند و تشکیلات مستقل خود را به وجود آورند . تنها از این طریق است که بقیه تشکیلات می توانند رشد کنند و پا برجا بمانند.

سوم - توده های وسیع مردم با طرح عمومی ترین خواست های خود به میدان آماده اند و در نبردهای خیابانی با قیمتی گران تجربه می آموزند و به اهمیت وحدت و تشکیلات پی می برند. وظیفه کمونیست هاست که در عمل نظرات و برنامه های خود را به میان آنها برند و بر اساس اصل از توده به توده مردم به ستوه آمده را با هدف مشترک براندازی رژیم جمهوری اسلامی بدون دخالت امپریالیسم و با اتکاء به نیروی خود متشکل کنند.